

آزمون ادبیات پایه دهم

زمان ۶۰ دقیقه



۱

کدام ابیات مفهوم یکسانی دارند؟

- الف- یاران سخن راست همین است که گفتم
ب- به صدق کوش که خورشید زاید از نفست
ج- هر که سر در پای منظوری نباخت
د- چو سرو از راستی برزد علم را
ه- خواجه اگر عاشقی از همه آزاد باش
- در باغ جهان هرچه بکارید برآرید
که از دروغ سیاه روی گشت صبح نخست
راستی نیکو سرانجامی نداشت
ندید اندر جهان تاراج غم را
زان که به آزادی سرو بود سرافراز

- (۱) الف - د
(۲) ب - د
(۳) ب - ه
(۴) ج - ه

۲

عبارت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت که مردنی چنان غبطه بزرگ زندگانی شد.

- (۱) تو نامرده نگرده حرص تو کم
(۲) جز پشیمانی ندارد حاصلی عمر دراز
(۳) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت
(۴) هیچ‌کس دیدی که خواهد در دمی صدمبار مرگ
- که ریش حرص را مرگ است مرهم
آه افسوسی است هر سطر از کتاب زندگی
آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه
مرگ را من خواستارم مرگ به زین زندگی

۳

"قافیه" در ابیات زیر به ترتیب، چه نقشی دارد؟

- الف- به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت
ب- به گاهواره مادر به کودکی بس خفت
ج- زن از نخست بود رکن خانه هستی
د- زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
- برای مرد کمال و برای زن نقصان
سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان
که ساخت خانه بی پای‌بست و بی‌بنیان
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان

- (۱) نهاد، مفعول، قید، متمم
(۲) مفعول، نهاد، وصفی، قید
(۳) مفعول، نهاد، قید، وصفی
(۴) مضاف‌الیه، نهاد، وصفی، مفعول

۴

معنی هریک از واژه‌های زیر به ترتیب، کدام است؟

"کاید، صورت‌شدن، تناور، موضع"

- (۱) حبله‌گر، به‌نظرآمدن، فربه، جای
(۲) مکر، ترسیم کردن، قوی‌جته، جایگاه
(۳) موجود زنده، نقاشی کردن، فربه، جایگاه
(۴) موجود زنده، به‌نظرآمدن، بزرگواری، مکان

۵

کدام بیت با رباعی زیر "تقابل" مفهومی دارد؟

- "هنگام سپیدهدم خروس سحری
یعنی که نمودند در آیین صبح
- دانی ز چه رو همی‌کند نوحه‌گری؟
از عمر شبی گذشت و تو بیخبری"

- (۱) گوش کن پند ای پسر و ز بهر دنیا غم مخور
(۲) هرچند بی‌صداست چو آیین آب عمر
(۳) گرچه پیری مشو از حیل شیطان ایمن
(۴) خضر راحت گر کنند از راهزن ایمن مباش
- گفتمت چون دُر حدیثی گر توانی داشت هوش
از رفتنش به گوش من آواز میرسد
پیشتر وقت سحر خواب گران می‌آید
در خور بیداری اینجا خواب غفلت میدهند

- (۱) ای روی دلارایت مجموعه زیبایی / مجموع چه غم دارد از من که پریشانم؟
 (۲) همی‌دانم که فریادم به گوشش می‌رسد، لیکن / چه غم آسوده‌خاطر را ز حال ناشکیبایی
 (۳) تو را که دیده ز خواب و خمار باز نباشد / ریاضت من شب تا سحر نشسته چه دانی
 (۴) گفתי اگر درد عشق پای نداری گریز / چون بتوانم گریخت تا تو کمندم کشی

در کدام گزینه، تعداد استعاره بیشتر است؟

- (۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است / سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
 (۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است / نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
 (۳) لؤلؤ از پسته خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است / لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
 (۴) بر طرف مه نشانده سیاهی که سنبل است / بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است

کدام بیت "فاقد" مفهوم بیت زیر است؟

"در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری"

- (۱) یک قدحم بیست چو جام شماست / تا همه دانند که من دیگرم
 (۲) مرا باشد به از تو در جهان شاه / تو را چون من نباشد بر زمین ماه
 (۳) ز مثل خود جهان را طاق ببند / جهان خود را به استحقاق ببند
 (۴) هر دژه را به خورشید امروز آشنایی‌ست / در زیر آسمان کیست بیگانه تو باشد؟

در کدام گزینه غلط املایی بیشتری دیده می‌شود؟

- (۱) یکی از دوستان گفت امتناع سخن از آن‌جهت است که غالب اوقات در سخن نیک و بد اتفاق افتد.
 (۲) روزی شخصی خوش‌محضر و لطیفه‌گوی، همنشین ملوک گشته و با رغبتی صادق و شوقی غالب به خدمت او شتافت.
 (۳) هر دو به افزونی قربت از دیگر ندیمان مرتبه تقدّم یافته و محرم اصرار مملکت و حکومت گشتند.
 (۴) بر خردمند صواب آن است که در کارها غفلت کم رود و مهملات را خوار شمرده نیاید.

کدام بیت با عبارات زیر، قرابت مفهومی دارد؟

"اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هرکه داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد."

- (۱) دلیر در سر بازار حشر خرج کند / گرفت هرکه زر خویش را عیار امروز
 (۲) شور سحر حشر اگر باورتان نیست / گل مصحف صدبرگ به سوگند گشوده است
 (۳) زود باشد حشرشان در خاک با قارون شود / این گران‌جانان که سیم و زر به روی هم نهند
 (۴) حلال و خوش خور و طاعت کن و دروغ مگوی / بر این سه کار بری روز حشر گوی عمل

مفهوم کنایی "گندمنای جوفروش" از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- (۱) گرچه گردآلود فقرم شرم باد از همتم / گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم
 (۲) شرمم از خرقة آلوده خود می‌آید / که بر او وصله به صد شعبده پیراسته‌ام
 (۳) خودنمایی کار ما را در گره انداخته است / قطره چون برداشت دست از خویش دریا می‌شود
 (۴) در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک / جهدی کن و سرحلقه رندان جهان باش

"دلم می‌خواست این نغمهٔ آسمانی را همه بشنوند همان کلمات شورانگیز که از داناترین استاد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم."

- (۱) سه، پنج
(۲) چهار، سه
(۳) چهار، چهار
(۴) پنج، چهار

"مگه یک کوه تاریخی دارد و این کوه یک آشنای صمیمی، این کوه را از مگه و این آشنا را از آن بگیری، مگه می‌ماند با حرارت آتشین و اراضی سوزان و کوه‌های سیاه‌رو"

- (۱) پنج، پنج
(۲) پنج، شش
(۳) شش، شش
(۴) شش، پنج

آرایه‌های موجود در بیت: "کدام زهره جبین بی‌نقاب گردیده است که آتش از عرق شرم، آب گردیده است"، در کدام گزینه، ذکر شده است؟

- (۱) تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره
(۲) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، ایهام
(۳) کنایه، تضاد، استعاره، حسن تعلیل
(۴) کنایه، استعاره، مراعات نظیر، ایهام تناسب

در کدام بیت آرایه‌های "حسن‌آمیزی، استعاره و تضاد" وجود دارد؟

- (۱) ای صبا برگی از آن نوگل بی‌خار بیار / حرف رنگینی از آن لعل گهربار بیار
(۲) گر به آغوش بریزند گل اندر بر من / آن همه خار بُود چون تو در آغوش نه‌ای
(۳) می‌شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی / بر سرم سایهٔ آن سرو سهی‌بالا بود
(۴) صبا به خوش‌خبری هدهد سلیمان است / که مژدهٔ طرب از گلشن صبا آورد

در کدام بیت همهٔ آرایه‌های، استعاره، تشخیص، تشبیه و حسن‌آمیزی وجود دارد؟

- (۱) نسیم ناامیدی بد ورق گرداندنی دارد / در ایام برومندی در بستان سرا بگشا
(۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی / میان خویش را چون موج در بحر بلا بگشا
(۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید / که ساحل چون شود نزدیک بازوی شنا بگشا
(۴) سزای توست چون گل گریهٔ تلخ پشیمانی / که گفت ای غنچهٔ غافل، دهن پیش صبا بگشا

در کدام گزینه غلط املایی دیده می‌شود؟

- (۱) نظر و عنایت، هوای نفس، برهنگی و عاجزی، نوال و لطف
(۲) غلغله‌زن، غرابت و نزدیکی، مرمت و رسیدگی، بوتهٔ خار
(۳) صاحب پیرایه، گرم و رسا، پلاس پاره، عذر خواستن
(۴) یله و رها، صحبت و محاوره، رقع و نامه، محال و دروغ

املای تمام کلمات در کدام گزینه درست است؟

- (۱) رزّاق و خَلّاق - حامل سرمایه - حرام و هلال - ابن حسام
(۲) وصف و شرح - مبدأ و شروع - زبان تازی - مستقنی و بی‌نیاز
(۳) عجایب نقش‌ها - جرعت و زهره - مولع و شیفته - تباهی و بی‌راهی
(۴) صحرا و دشت - غافل و بی‌خبر - روایی و نمایشی - عذاب و رنج

- (۱) "الهی‌نامه" اثری منظوم از عطار نیشابوری شاعر قرن ششم است.
 - (۲) عنصرالمعالی "قابوس‌نامه" را به نثری ساده و روان نوشته است.
 - (۳) شعر "چشمه و سنگ" از نیما بیانگر توانایی پدر شعر نو در سرودن شعر سنتی است.
 - (۴) "سیاست‌نامه" خواجه‌نصیرالدین توسی کتابی روان و آموزنده و تعلیمی است.
- در کدام گزینه دو گروه اسمی با الگوهای "اسم + صفت + مضاف الیه" و "صفت اشاره + صفت عالی + اسم" دیده می‌شود؟

- (۱) شب‌های پیوسته تاریخ، هیچ فرمانروای کشوری
- (۲) سپیده چشمان تو، کدام باده مهر
- (۳) پیشانی بلند تو، همان داناترین مردم
- (۴) خانه یتیم‌کان پیرزن، آن بلندترین هرم

هسته گروه اسمی روبه‌روی همه گروه‌ها درست است به‌جز:

- (۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: (ارزش)
- (۲) مجموعه آثار ادبی گذشته این مرزوبوم: (مجموعه)
- (۳) رابطه همنشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر: (رابطه)
- (۴) کوچک‌ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیرمستقیم: (واحد)

معنای فعل، از مصدر "گردیدن" در بیت با بیت "نباید که گردی تو ای خوب کیش زییمان و عهد و زگفتار خویش" تناسب دارد.

- (۱) من اگر چنان که نهی است نظر به دوست کردم
- (۲) همه عمر توبه کردم که نگردم از مانهی
- (۳) خردمند گوید که در یک سرای
- (۴) چو فرمان دو گردد نماند به جای
- (۵) یکی صورتی دید صاحب جمال
- (۶) بگردیدش از شورش عشق حال
- (۷) ای دوست به صدگونه بگردی به زمانی
- (۸) گه خوش سخنی‌گیری و گه تلخ زبانی

در کدام بیت، مفهوم فعل "شود" متفاوت است؟

- (۱) دل ز من بردی و پرسیدی که دل گم کرده‌ای
- (۲) این چنین طرّایت با من مسلم کی شود؟
- (۳) غم از آن دارم که بی تو همچو حلقه بر درم
- (۴) تا تو از در نیایی از دلم غم کی شود؟
- (۵) گر جمال جان‌فزای خویش بنمایی به ما
- (۶) جان ما گر در فزاید حسن تو کم کی شود؟
- (۷) نیستی عطار مرد او که هر تر دامنی
- (۸) گر به میدان لاشه تازد رخس رستم کی شود؟

"ردیف" در کدام بیت تفاوت معنایی دارد؟

- (۱) کسی کو بر وجود خود بلرزد
- (۲) همان بهتر که در ویرانه گردد
- (۳) دلی کز عشق او دیوانه گردد
- (۴) وجودش با عدم هم‌خانه گردد
- (۵) رُخش شمع است عقل ار عقل دارد
- (۶) ز نور شمع او دیوانه گردد
- (۷) چو ماهی آشنا جوید در این بحر
- (۸) به کلّ ماهیان بیگانه گردد

کاربرد معنایی (ردیف) در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) عشق از خاکستر ما ریخت رنگ آسمان
- (۲) این شرار شوخ اول در دل آدم گرفت
- (۳) خط کافر لعل سیراب تو را کم‌کم گرفت
- (۴) دیو از دست سلیمان عاقبت خاتم گرفت
- (۵) شوخ چشمی می‌برد از پیش کار خویش را
- (۶) دامن گل را ز دست بلبلان شبنم گرفت
- (۷) از وصال ماه مصر آخر زلیخا جان گرفت
- (۸) دست خود بوسید هرکس دامن پاکان گرفت